

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان : ۲۲ دیماه سال
۱۴۰۲

برگزاری خطبه نماز جمعه در شهر رینه.

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمده و أشكره و
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه
و خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمة و نذير
نقمته سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا أبا القاسم المصطفى محمّد و على
آله الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى
يوم الدين.

قَالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ :

«إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ» إِسْرَاءُ/ ٩

ترجمه:

" قرآن فقط وسیله یادآوری و پند برای جهانیان است برای هر کس از شما که بخواهد [در همه شئون زندگی مادی و معنوی] راه مستقیم

بپیماید. " تکویر/ ۲۸-۲۷

" أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَصَّى الْعِبَادُ بِهِ وَخَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ " خودم و همه بندگان خدا را به رعایت تقوای الهی و نظم در امور سفارش میکنم که سفارشی والاتر از این مهم در عالم هستی وجود ندارد. مولا علی علیه السلام فرمود: ای

بندگان خدا شما را به دل کردن از دنیایی سفارش میکنم که شما را
رها میکند اگر چه شما جدایی از آن را دوست ندارید دنیایی که
بدنهای شما را کهنه و فرسوده میکند با اینکه دوست دارید همواره در
آن بمانید اما مرگ بسراغ شما می آید و شما را از دنیا جدا میسازد و
بعد فرمودند بازار کالای آخرت کساد است پس در همین کساد زیاد
خریداری کنید. خطبه ۹۹ نهج البلاغه. پس بندگان خدا اتقوا الله! اگر
کسی بتواند خود را با آیات و روایات شاقول گیری کند واجب است
این کار را انجام دهد و کسی که معانی قرآن و روایات را نمیداند
پروردگار میفرماید: فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ. نحل/۴۳ از اهلش که همیشه
بوده و در آینده هم خواهند بود بپرسید. روایت بسیار مهمی که در

مهمترین و قدیمی ترین کتابهای ما نقل شده برایتان عرض میکنم که چه ترازو یا میزانی باید انتخاب کرد تا انسان را به بهشت برساند؟! پیغمبر (ص) میفرماید: «تَقَبَّلُوا لِي بِسِتَّةَ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا وَ إِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا وَ إِذَا أَوْثَمْتُمْ فَلَا تَخُونُوا وَ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ أَحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَ كَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَلْسِنَتَكُمْ.» خصال، ج ۱، ص ۳۲۱. شش حقیقت را از من بپذیرید تا من هم ورود به بهشت را برای شما ضمانت و قبول کنم. وعده هیچ پیغمبری تخلف نداشته است و وقتی رسول خدا (ص) میفرماید من ضامن بهشت شما میشوم این ضمانت را خدا قبول میکند. اما این شش مسئله: «اذا حدّثتم فلا تكدبوا» تا آخر عمرتان هنگام حرف زدن به هیچکس دروغ نگویید.

دروغ کار منافقان و افراد دورو است. این کار خیلی زشتی است که من غیر حقیقتی را با مردم به گونه ای صحبت کنم که مردم فکر کنند حقیقت است. به خودتان و به پروردگار عالم دروغ نگویید. به پدر و مادر، زن و بچه، اقوام و مردم دروغ نگویید، منافقانه برخورد نکنید. رو راست و درست باشید. وقتی در پیشگاه حضرت حق می گوئید: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**. من معبود قابل پرستش فقط تویی! اما اگر در زندگی پول، شهوت، صندلی و مقام معبودم باشد این دروغ به پروردگار است. پروردگار کراراً در قرآن میفرماید از باطن و نیت هایتان خبر دارم و عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ هستم. آل عمران/ ۱۱۹ چگونه در قیامت میشود دروغم را راست بقبولانم؟ اینکه ممکن نیست. وَ إِنَّ

كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ. یس/۳۲ برای خدا پنهان و خلوت وجود ندارد همه چیز نزد او حاضر است. البته روایات میگویند اگر مال محترم کسی در خطر قرار گرفت و شما وسط افتادی مطلبی گفتی که آن مال محفوظ ماند و یا جانی در خطر قرار گرفت و شما مسئله ای گفتی که آن جان محفوظ بماند و نیز آبروی مرد و زنی در خطر قرار گرفت که آبروی آنها محفوظ ماند ولی چیزهایی که گفتی واقعیت نداشت، این را دروغ نمی گویند! چون جان و مال و آبروی مردم آنقدر در پیشگاه خدا قیمت دارد که میگوید شما با یک حرفی که از خودت ساختی آن را حفظ میکنی من مهر دروغ بر آن نمی زنم. نه اینکه دروغ نیست اما عیبی ندارد. امام صادق(ع) میفرماید: الْمُصْلِحُ

لَيْسَ بِكَذَّابٍ. اصول کافی (ط.الاسلامية) ج ۲، ص ۳۴۲. کسی که برای اصلاح امور مالی و آبرویی و جانی خود و دیگران حرف زیبایی را ساخته و طرف هم قبول کرده مال را غارت نکرده آدمی را نکشته آبرو را نبرده این حرف دروغ نیست. اگر همه راست بگویند تمام دنیا، دنیای راستین و حقیقی میشود. خدا میداند اقیانوس دروغ از زمان حضرت آدم (ع) تاکنون چند انسان را غرق کرده و به جهنم برده است! شما میدانید که خدا در قرآن لقمان (ره) را حکیم میداند: وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ. لقمان/۱۲ ایشان به پسرش میگفت: «بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَخْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ» الکافی (ط.الاسلامية) ج ۱، ص ۱۶. این دنیا اقیانوس پُر عمقی است که این

همه ملتها با دروغ در آن غرق شده اند نه با راست و حقیقت گفتن!

هشام بن عبدالملک، سلطان اموی و جانشین پدرش که بدترین انسان روزگار و بسیار خبیث بود. روزی برای انجام مناسک حج به مکه آمد که به مردم بی فکر بقبولاند که من هم مسلمان و متدینم! در دارالعمارة مکه یا استانداری گفت: بروید یکی از اصحاب پیغمبر(ص) را بیاورید من بینم. گفتند: از اصحاب پیغمبر(ص) یک نفر هم زنده نیست. گفت: از تابعین (آنهايي که بعد از اصحاب پیغمبر(ص) به وجود آمدند) رفتند گشتند بزرگواری را پیدا کردند

أهل یمن بنام «طاووس یمانی» گفتند هشام میخواهد تو را زیارت کند.

در مقابل فرعونها راست گفتن یعنی جان را کف دست گذاشتن.

طاووس قبول کرد وارد شد و با کفش تا کنار فرش قیمتی که هشام
رویش نشسته بود آمد و نشست و گفت: سلام. نه «السلام علیک یا
امیر المؤمنین» چون همه موظف بودند به این فرعونهای خطرناک
اینگونه سلام کنند. گفت: هشام! حالت چطور است؟ هشام عصبانی
شد پرسید: چرا اینطور رفتار کردی؟ گفت: مگر چطور رفتار کردم؟
گفت: آمدی کنار فرشی که محل نشستن من است کفشت را درآوردی.
گفت: من کار بدی نکردم. روزی پنج بار در پیشگاه خدا کفشهایم را
در می آورم نماز میخوانم خدا عصبانی نمیشود. چرا شما عصبانی
شدی؟ گفت: برای چی در سلام به من نگفتی «السلام علیک یا
امیر المؤمنین»؟ گفت: من نمیخواستم دروغ بگویم چون مؤمنین تو را

به امیری خودشان قبول ندارند. گفت: چرا به اسم مرا صدا کردی و هشام گفتی؟ گفت: پروردگار عالم در قرآن عزیزترین بندگان را به اسم صدا کرده: یا ابراهیم، یا نوح، یا موسی، یا عیسی، یوسف ائِها الصّدیق، یا یحیی، یا زکریا و... من که مطابق با قرآن صدايت کردم. گفت: چرا مرا با لقب خواندی؟ گفت: خدا در قرآن دشمنانش را با لقب خوانده: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ من مطابق اخلاق خدا در قرآن تو را صدا کردم. موسی کلیم الله با آن عظمتش، خدا به او میگوید: یا موسی! چه خبرت است هشام؟ کجایی؟ چه فکری میکنی؟ گفت: چیزی یادم بده. گفت: امیر المؤمنین (ع) فرمود: اگر بخواهی بفهمی شاقول گیری کنی چه کسی اهل جهنم است بین چه کسی با تکبر

نشسته و چند انسان در برابرش دست به سینه ایستاده اند. بعد گفت:

هشام! در دوزخ مارها و عقربهایی هستند که خیلی وحشتناک اند. هر کدامشان به اندازه یک کوه هستند. مأموریت این مارها و عقربها، گزیدن کسانی مثل قاضی، فرماندار، حاکم، استاندار، بخشدار یا دهمدار ظالم است که در جامعه شغل و پستی در دستشان بوده ولی به جای عدالت به مردم ظلم کردند! بعد هم دیگر معطل نکرد خودش بلند شد کفشهایش را پا کرد و رفت و اهل مجلس را در بهت فرو برد. مهم این قسمت بود که گفت: هشام! نمیخواهم دروغ بگویم. پاکان عالم دروغ نمیگفتند و نمیخواستند دروغ بگویند. پنج مورد بعدی ظرایف و نکات مهمی هست که آینده عرض خواهم کرد.

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و
اليقين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله
العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله
الأطيبين الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى
الصَّادِقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِ
الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ
عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ حُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ
أَمَنَّاكَ فِي بِلَادِكَ.

دعای فرج..

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا. اَللّٰهُمَّ اَظْهَرْ بِهٖ دِيْنَكَ وَ
سُنَّةَ رَسُوْلِكَ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عبادالله و نفسي بتقوي الله و أخوفكم من عقابه.

با درود و سلام بی پایان به روح مطهر معمار کبیر انقلاب اسلامی
ایران و دو فرزند گرانقدرش جمیع مؤمنین و مؤمنات ، علما ، صلحا
، شهدای انقلاب، شهیدان ۸ سال دفاع مقدس، شهدای گمنام ، شهدای
مدافع حرم و وطن و سلامت و علی الخصوص ۳۶۴ شهید خونین

بال بخش لاریجان و با آرزوی طول عمر با عزت همراه با صحت و سلامتی برای مقام معظم رهبری در این خطبه دوم خودم و همه شما عزیزان را توصیه میکنم به تقوای الهی و دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه ۲۲ دیماه سال ۱۴۰۲ را بمحضر شما نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

نکته اول:

پیشاپیش حلول ماه رجب المرجب را بمحضر همه عاشقان خدا و بندگان حق تبریک عرض می نمایم. اموری که در این ماه واقع شده و در ماههای دیگر نیست باعث عظمت این ماه شد. لذا عبادت در این ماه با عبادت در ماههای دیگر متفاوت است. روز اول ماه تولد امام

محمد باقر علیه السلام، روز سوم شهادت امام هادی علیه السلام،
روز دهم تولد حضرت جواد الائمه علیه السلام، روز سیزدهم تولد
حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام، روز پانزدهم خروج نبی اکرم
صلی الله علیه و آله از شعب ابیطالب و آزادی مسلمانان و وفات
حضرت زینب علیها السلام، انتقال قبله از بیت المقدس به مکه، روز
بیست و دوم این ماه هلاکت معاویه علیه الهاویه، روز بیست و چهارم
فتح خیبر بدست امیرالمؤمنین علیه السلام، روز بیست و پنجم شهادت
حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، روز بیست و ششم ارتحال
مؤمن قریش، یار و پشتیبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدر
والا مقام امیرالمؤمنین حضرت ابوطالب سلام الله علیه. روز بیست و

هفتم مبعث نبی اکرم صلی الله علیه و آله. روز بیست و هشتم اولین
إقامه نماز در اسلام و هجرت سیدالشهداء علیه السلام از مدینه به
مکه. ماه رجب ماه بسیار عظیم هم ماه ولایت و هم ماه نبوت است.
از اعمال بسیار مبارک این ماه که بحمد الله در جامعه بویژه در بین
جوانان رونق گرفته و از برجسته ترین و مهمترین توصیه های دینی
که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و أئمه أطهار علیهم السلام بدان
إهتمام داشته اند آئین معنوی إعتکاف است مخصوصاً لیلۃ الرغائب
شب رغبتها و آرزوها باید به گونه ای باشد که بتواند قلب ما را به
سمت تحصیل قلب سلیم و تولد سالم به آخرت هدایت کند.

نکته دوم:

سالروز میلاد امام باقر(ع) را بمحضر همه شما نمازگزاران عزیز تبریک و تهنیت عرض می نمایم. بزرگترین مشکل عالم، محرومیت جامعه بشری از کسانی است که نه تنها علم را مستقیماً از خدا میگیرند بلکه «يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا» هستند. شکافت و انتشار علم فقط اختصاص بوجود مبارک امام باقر علیه السلام ندارد زیرا کَلَّهم عليهم السلام نورٌ واحدٌ. روزی عده ای از اصحاب به محضر حضرت سجاد علیه السلام رسیدند و عرض کردند: مقداری از معارف و أسرارِتان را به ما یاد بدهید. حضرت باقر علیه السلام هم آنجا تشریف داشتند. حضرت اشاره ای به فرزندشان امام باقر علیه السلام کردند و فرمودند: این کیست؟ عرض کردند: فرزند شما محمد است.

بعد حضرت پرسیدند: من کیستم؟ گفتند: شما امام سجاد هستید.

حضرت زیر لب دعایی خواندند و همه دیدند امام سجاد علیه السلام

به چهره امام باقر علیه السلام در آمدند و امام باقر علیه السلام شبیه

پدرشان شدند! همه تعجب کردند در این لحظه امام فرمود: از قدرت

خدا تعجب نکنید من محمّد و محمّد من است و محمّد گفت مردم

تعجب نکنید از امر خدا من علی و علی من است همه ما یکی هستیم

از یک نور، روح ما از امر خدا است اول ما محمّد و وسط ما محمّد

و آخر ما محمّد و همه ما محمّد هستیم. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۶

جابر بن یزید جعفی میگوید: امام باقر علیه السلام هفتاد هزار حدیث

به من آموخت که به کسی نگفتم و نخواهم گفت. توشه ای که از علم

امام باقر(ع) باید برداریم مسأله تولی و تبرّی است. آیا دینداری چیزی جز محبت و دوستی اولیای خدا و بغض و دشمنی دشمنان الهی است؟ اگر کسی محبت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در دل دارد ولی از دشمن او تبرّی نمیجوید چنین کسی دشمن محسوب میشود! باید رذایل دشمنان امیرالمؤمنین را هم ببینی و به آنان بغض و کینه داشته باشی. آنهایی که از آمریکا و اسرائیل متنفر نیستند اُغور و کورند و بالاخره سر از ظلمات شرک درمیآورند!

نکته سوم:

سوم رجب سالروز شهادت امام هادی(ع) را بمحضر نوه بزرگوارش امام زمان (ع) و شما شیعیان تسلیت عرض می نمایم. چه روز میلاد

و چه روز شهادت ایشان انسان به یاد دو یادگار مهم آن حضرت یعنی زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه می افتد. وجه مشترک این دو زیارتنامه این است که هر دو متن امام شناسی است. یکی از عبارات زیبا در زیارت جامعه کبیره که گویای عمق ارتباط وثیق حضرات معصومین علیهم السلام با ذات مقدس خدای متعال است عبارت «وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى» است. اینکه خدای متعال مثل ندارد اَمَّا مَثَلُ دارد به این معنا است که خدای متعال حضرات معصومین را از دیگران ممتاز کرده و آنها را برترین نمونه خلقت برای بشریت قرار داده است و چون از هر جهت نمونه هستند بعنوان مثل الاعلی معرفی شده اند.

نکته چهارم:

انتخابات یک فرصت مهم اجتماعی است حل مشکلات بواسطه یک ایده تحولی همه جانبه و پویاست و انتخابات چنین فرصتی را مهیا میکند. بنابراین نگاه انتخاب کنندگان باید به سمت و سوی اشخاص و جریانهایی باشد که برای تحول مورد نظر رهبر انقلاب دارای ایده نو و پیشرو باشند. منتخبان آینده مردم باید تحول را در عمل باور داشته باشند و برای شکوفایی آن تلاش کنند.

نکته پنجم:

رژیم صهیونیستی به هیچکدام از اهدافی که برای تحقق آن وارد غزه شد نرسیده است و آمریکا نیز نمیتواند با سفر به ترکیه، مصر،

عربستان رژیم صهیونیستی را از منجلاب شکست غزه نجات دهد!
حتی گروه داعش با فعال کردن هسته های خفته خود و ارتکاب
عملیات تروریستی و انتحاری در کشورهای حامی فلسطین منافع
صهیونیستها را نمیتواند تأمین و مقاومت را درگیر بحرانهای داخلی
کند. مطمئن باشید با بمب گذاری در کرمان اولاً: نمیتوانید جمهوری
اسلامی را نا امن جلوه دهید و ثانیاً: نمیتوانید ایران را مستقیم به
جنگ با اسرائیل بکشانید و ثالثاً: نمی توانید انتخابات آتی مجلس
شورای اسلامی و خبرگان رهبری را متأثر از رفتار زشت خود
نمایید.

نکته ششم:

۲۶ دیمه بمناسبت سالروز یوم الله فرار شاه از ایران باید عرض کنم
به بیان حکیم انقلاب امام خامنه ای: «هر ملّتی به آمریکا اعتماد کرد
ضربه خورد حتّی آن کسانی که دوست آمریکا بودند». سفرای دو
کشور آمریکا و انگلیس به شاه لقب «ساقه نازک» داده بودند. پهلوی
دوم همیشه به حمایت آمریکا و انگلیس نیاز داشت و سفرای این
کشورها وی را «ساقه نازک» نام داده بودند. در طول تاریخ ایران،
فرار شاهان به ندرت اتفاق افتاده باشد اما شاهی که دوبار از
کشورش گریخته باشد احتمالاً همین شخص محمدرضا پهلوی است!
البته کاملترین نمونه بدعهدی آمریکا اوکراین است.